

معرفی اجمالی بیدل دهلوی و دو گزیده تاریخی دیوان وی

میرزا عبدالقادر متخلص به بیدل از جمله شعرای فارسی‌گوی هند از دوره متأخر است که شهرت به‌سزایی را کسب نموده است. او را به‌درستی بهترین نماینده سبک هندی شعر فارسی قلمداد کرده‌اند. شعر او از لحاظ خیال‌پردازی، مضمون‌آفرینی، دقت‌پسندی، فلسفه‌طرازی، تلاش معنای تازه، تشبیهات نادر، استعارات نازک، محاورات و تراکیب‌نو بهترین نمونه شعر نوع خود است. او از طریق ترجمانی فیلسوفانه حقایق، شرح حکیمانانه تجربیات خود و انسانی، عکاسی مشاهدات عارفانه، فکر و اندیشه پیچیده و نیروی غیر عادی ابداع و اختراعات شاعرانه چنان طلسم حیرت‌افزای لفظ و معنی را بروز آورده است. که باعث شگفتگی اهل نظر و صاحبان ذوق است.

احوال مفصل بیدل در بعضی آثاری نگاشته شده که اخیراً به‌فارسی، اردو و انگلیسی چاپ شده‌اند. پس اینجا فقط اجمالاً به آن می‌پردازیم.

بیدل ملقب به ابوالمعانی که فی‌الواقع در دیار هند شاعری چنین کامل تاکنون پا به‌عرضه هستی نهاده و خامه نقاش بیچون تا حال نظیر این طالب دلفریب اندیشه را نقش نبسته^۱، پسر میرزا عبدالخالق سرباز متمولی بود که بعداً به‌سلسله قادریه تعلق پیدا کرد^۲ و نسبت به‌مولانا کمال که سلسله قادریه از فیض او در ایالت بیهار شهرت پیدا کرده بود^۳، عقیدت داشت^۴. بیدل در ۱۰۵۴/۱۶۴۴ م به‌دنیا آمد. «انتخاب» و «فیض قدس»

۱. چمنستان شعرا، ص ۴۳.

۲. سفینه خوشگو، ص ۱۰۴، احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل، ص ۵.

۳. چهار عنصر، ص ۱۴.

۴. همان، ص ۱۳.

ماده‌های تاریخ تولدش است. درباره زادگاه و نسب وی که عظیم‌ترین اندیشمند بعد از شنکر آچاریا است^۱، مورخین نظرهای مختلف داده‌اند.

شاه محمد تهرانی متخلص به‌وارد که دوست بیدل بود و بیدل تا یک و نیم سال در منزل او در دهلی اقامت داشت، درباره احوال این دوست خود که به‌احتمال قوی از خود بیدل شنیده بود، می‌نویسد:

بیدل در اکبرنگر معروف به راج‌محل در حدود یک صد کیلومتر از باگل‌پور واقع در استان بیهار متولد شد. او ایرانی‌الاصل بود و سلسله نسبش با شاه منصور (۷۹۵ هـ/۷۹۰) فرمانروای دودمان مظفریه فارس منتهی می‌شود.^۲ بیدل به‌سن پنج سالگی نرسیده بود که پدرش فوت کرد.^۳ مادرش که زنی خداترس بود و به‌او الفبا درس می‌داد، هم بزودی درگذشت. سپس میرزا قلندر عموی بیدل نشو و نمای بیدل را به‌عهده گرفت. او را به‌مدرسه فرستاد. بیدل تا ده سالگی صرف و نحو عربی و نظم و نثر فارسی را یاد گرفت.^۴ چون کافیه را بپایان رساند و شرح *ملا جامی* را آغاز کرد، روزی رگ گلوی دو نفر استاد وی^۵ دوران بحث در بابت به‌تعریف افعال در صرف و نحو عربی آماس کرد. میرزا قلندر این وضع ناجور را دید و بیدل را از مدرسه بیرون کشید. و در خانه مشغول درس و مطالعه شاهکارهای نظم و نثر فارسی نمود.^۶ بیدل از صحبت بعضی عرفای دوره خود برخوردار بوده است و کمالات بعضی از آنها را در چهارعنصر بیان کرده است. مولانا کمال که راهبر روحانی پدر بیدل بود و در رانی ساگر یکی از شهرهای بیهار سکنی داشت و میرزا قلندر او را به‌تصوّف آشنا کردند. همین مولانا کمال در شعر استاد بیدل است.^۷ مولانا عبدالعزیز عزّت (متوفی «۱۶۷۸/۱۰۸۹») پسر ملا عبدالرشید

۱. بیدل در پرتو بر گسون (انگلیسی)، ص ۱۹.

۲. شام غریبان، ص ۵۳ و ۵۴.

۳. سفینه خوشگو، ص ۱۰۵.

۴. همان، ص ۱۰۵.

۵. چهار عنصر، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۶۲.

۷. همان، ص ۲۰، سفینه خوشگو، ص ۱۰۷.

اکبرآبادی هم از بیدل در شعر راهنمایی کرد.^۱ بیدل از صحبت شاه ملوک که برهنه زندگی می‌کرد، درباره خداوند بزرگ چیزهایی آموخت.^۲

شاه یکه آزاد از جمله رهبران روحانی بیدل بود که رازهایی را درباره حقیقت اولی و غایی به‌وی افشا نمود.^۳ شاه کابلی در عرفان رهبر دیگر بیدل است.^۴ بیدل از محضر شاه فاضل که نه تنها در تفسیر و حدیث ید طولانی داشت بلکه در ما بعدالطبیعت و علم بیان هم درک زیادی کسب نموده بود، فیض‌ها برد.^۵ و نثرش مانند نظم مسجع بود و نظم‌ش در فصاحت اندیشه بر نثر تفوق داشت. شاه قاسم هواللهی تألیفات بیدل را مطالعه و او را تشویق می‌کرد.^۶ میرزا ظریف (متوفی: ۱۰۷۵ هـ) عموی مادری بیدل در حدیث و فقه دستگاهی کامل داشت و منزلش پناه‌گاه دانشمندان بود که برای مباحث علمی بدانجا گرد می‌آمدند. بیدل هم در آن مجالس شرکت می‌کرد و شاهد فضیلت شاه ابوالفیض شد که مسایل ما بعدالطبیعت و فلسفه را حل می‌کرد.^۷

بیدل در ابتدا رمزی تخلص می‌کرد. روزی بعد از مطالعه این مصرع در مقدمه گلستان سعدی «بیدل از بی‌نشان چه گوید باز» تخلص خود را به‌بیدل عوض کرد.^۸ بیدل قد میانه، شانه‌های عریض، جثه نیرومند و چهره بسیار زیبا داشت. ریش را صاف می‌تراشید. کمان‌های ابروانش با زیبایی تمام به‌همدیگر چسبیده بود. و جبین عریض و برجسته‌اش به‌بزرگی شهادت می‌داد که خداوند برایش مقدور گردانیده بود.^۹ با طبابت، نجوم، رمل، جفر، تاریخ، موسیقی آشنایی زیادی داشت. و تمام قصه مه‌بهارت

۱. سفینه هندی، ص ۱۰۸

۲. چهار عنصر، ص ۱۹.

۳. همان، ص ۳۵.

۴. همان، ص ۱۵۸.

۵. همان، ۴۸.

۶. همان، ص ۴۹.

۷. همان، ص ۱۲۴.

۸. سفینه خوشگو، ص ۱۱۱.

۹. همان، ص ۱۰۷.

را ازبر کرده بود.^۱ افزون بر این نظر عمیقی بر عرفان ابن عربی و مولانا روم از جمله امتیازات علمی و عرفانی او بوده است.^۲

بیدل مسافرت‌های زیادی انجام داد و از نقاط مختلف هند دیدن نمود. در ۱۶۵۹/۱۰۷۰ به مهسی بیست گروهی از پتنا رفت. همراه با میرزا ظریف که تاجری بود^۳، در سال ۱۶۶۰/۱۰۷۱ عازم اریسه شد و سپس به شهر کساری به فاصله شش روزه سفر از کتک رسید.^۴ بعداً به پتنا آمد و آن شهر را در ۱۶۶۴/۱۰۷۵ برای دهلی ترک گفت. از اینجا به بندرابن، متورا، اکبرآباد، پنجاب، لاهور و حسن ابدال رفت.^۵

بیدل در دهلی نخست با میرزا سلیمان خالوی حقیقی سلطان محمد معزالدین خلف شاه عالم بن عالمگیر بسر برد.^۶ بعد از وفات میرزا سلیمان، بیدل ازدواج کرد و به ارتش اعظم شاه تیموری هند (۱۷۰۷/۱۱۱۹-۱۷۰۷/۱۱۱۸) پسر عالمگیر پیوست و برای مدتی کوتاه با او بسر برد.^۷ اعظم شاه تخلص بیدل را نپسندید و گفت بیدل را در لشکر ما که تمام جوانان پر دل‌اند چه کار؟ بنابر این بیدل به مسافرت پرداخت.

عاقل خان رازی (متوفی: ۱۱۰۸/۹۷ - ۱۶۹۶) و دامادش نواب شکرالله خان (متوفی: ۸ ربیع‌الاول ۱۱۰۸/۵ اکتبر ۱۶۹۶) و پسرش شاکر خان از جمله مریبان و سرپرستان بیدل بودند. نواب شکرالله خان و شاکر خان خویلی (خانه‌ای بزرگ) یک نفر لطف علی را برای بیدل خریدند. این خویلی در خارج از دروازه دهلی در محله کهیکران بر کنار گذر گهات (کنار رودخانه جمنا) واقع بود.^۸ بیدل تا وفات خود در چهارم صفر ۱۱۳۳، ۵ دسامبر ۱۹۲۰ تا سی و شش سال در همین منزل زندگی کرد.^۹ او را در فضای همین

۱. سفینه خوشگو، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۱۱۵.

۳. چهار عنصر، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۹۷.

۵. همان، ص ۱۴۸، ۲۹۹، ۲۷۷، ۴۱.

۶. شام غریبان، ۵۳.

۷. رقعات بیدل: ص ۹۵، مرآة‌الخیال، ص ۳۸۷.

۸. سفینه خوشگو، ص ۱۰۹.

۹. همان.

خانه دفن کردند. شاگردان و دوستانش سالروز وفات بیدل را هر سال بر مزارش برگزار می‌کردند.^۱ این مزار با مرور زمان از بین رفته بود ولی امروز قبر بیدل روبروی مزار شیخ ابوبکر طوسی و میدان نمایشگاه دهلی‌نو در باغ بیدل قرار دارد که بعداً ساخته شده است.

بیدل در شعر به‌ویژه در غزل عناصر جمیع سبک‌ها و مکاتیب فکری را که در فارسی متداول می‌بوده‌اند، به‌خود جذب کرده و در آثار خود بکار برده است. می‌توان برای بیان خصوصیات شعر بیدل به‌نظر شاعر و نویسنده‌ای بسنده کرد و تمام جنبه‌های شعری بیدل را که دیگران هم در آن باره گفته‌اند، به‌این الفاظ و عبارت زیبایی خلاصه کرده است:

”بیدل مانی‌ای‌ست که ارژنگ خیالات را نقاشی می‌کند و اقلیدسی است که در نظم سحرآفرینی می‌کند. مشرق اندیشه‌های تاریک تا ابد با آفتاب تابناک نبوغ وی روشن گردیده و گلستان بیانات ملیح سر تا پا با آهنگ نکته‌سنجی وی مزین گردیده که مانند بلبل هزار داستان نغمه‌سرایبی دارد. چشم روزگار شخصیتی را با چنین پایه‌عالی و اندیشه‌های مصفاً ندیده، گرچه مشعل آفتاب در دست آن است و نیز آسمان نیلگون نظیر این طالب شیرین بیان و خیالات را نشنیده بود ولو سیارات گوش‌های آن است، بنابراین اگر نبوغ وی را بهار حیات خوانم، بجا خواهد بود“^۲.

بیدل آثار زیادی به‌شعر و نثر فارسی که شامل کلیات است، به‌جای گذاشته است و آنها عبارتند از:

۱. دیوان: شامل غزلیات، قصاید، رباعیات، مخمّسات، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، قطعات و معماها
۲. محیط اعظم: بهاریه^۳ که هم بهشت معرفت نامیده شده است.^۴ نخستین مثنوی بیدل

۱. خزانه عامره، ص ۱۵۳.

۲. چمنستان شعرا، ص ۴۳.

۳. چهار عنصر، ص ۸۶.

۴. محیط اعظم، ص ۱۸۱.

- مشمول بر ۲۰۰۰ بیت^۱ در هشت باب است که در ۱۶۸۸/۲۱۰۷۸ به سن بیست سالگی به تکمیل رسانده شد. در مقدمه مختصر بر این مثنوی بیدل آن را چنان تعریف کرده است: میخانه ظهور حقایق است نه ساقی نامه اشعار ظهوری^۲ این مثنوی در فلسفه عرفانی به لحن و سبک عرفانی سروده شده است.
۳. طلسم حیرت: مثنوی تمثیلی و رمزی است که در ۳۰۰۰ بیت بعد از دو سال تکمیل محیط اعظم در ۱۶۶۹-۷۰/۴۱۰۸۰ به پایان رسید. در این مثنوی حکایتی بیان شده که دارای درس سیاست، معاشرت و عرفان است.
۴. طور معرفت: هم موسوم به گلگشت حقیقت، مثنوی مختصری است در حدود ۱۲۰۰ بیت که در نزدیکی سال ۱۰۹۹ هـ سروده شده است.^۳ بیدل در این اثر خود مناظر طبیعی بیرات، قصبه‌ای در میوات واقع در ایالت هریانای کنونی هند یعنی مرغزارها، چمن‌ها، گل‌ها، خارها، کوه‌ها، آبشارها، ابرها، قطرات باران و غیره، را از جوش درون و بدون اختیار توصیف می‌نماید. بقول خود بیدل این مثنوی "از هجوم دیده انتظار سامان یک عالم چراغان است و به‌هوای نثار آن کلیم ایمن حقیقت صد هزار گوهر معنی بدامان" است.^۴
۵. عرفان: طولانی‌ترین مثنوی در بحر حدیقه الحقیقه سنایی مشتمل بر ۱۱۰۰ بیت در ۱۷۱۲/۶۱۱۲۴ در ظرف مدت سی سال در تصوف و معارف به تکمیل رسید. هر دو حدیقه الحقیقه و عرفان دارای ده فصل است و عنوان هر فصل آنها یک بیت است. بیدل بر این اثر خود می‌بالید.^۵

۱. سفینه خوشگو، ص ۱۲۴.

۲. محیط اعظم، اسم تاریخی است.

۳. محیط اعظم، مقدمه، ص ۳.

۴. از برون آورد کنج از عالم غیب، تاریخ تکمیل آن بدست می‌آید.

۵. احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل، ص ۲۹۳.

۶. رقعات بیدل، ص ۴۹.

۷. از «هدیه ذوالجلال والاکرام» سال تکمیل آن بدست می‌آید.

۸. سفینه خوشگو، ص ۱۲۳.

۶. تنبیه‌المهوسین: مثنوی مختصر در ۲۱۰ بیت مشتمل بر دو قسمت در اعتراض به‌کیمیاگری که شاعر ما هرگز به‌سودمد بودن آن معتقد نبود.^۱
۷. چهار عنصر: تألیف اساسی به‌سبک بسیار مرصع و رنگین به‌نثر درباره شرح حال شاعر که به‌ترتیب تاریخ نوشته نشده، در سال ۱۶۸۳/۱۰۹۵ م آغاز و بیشتر از بیست سال بعد در (۱۷۰۴/۱۱۱۶) به‌تکمیل رسید.
- عنصر اول: در خصوصیات اخلاقی، احساسات دینی و فعالیت‌های ادبی اشخاص مختلف که بیدل با آنها در دوره اول زندگی خود محشور بوده؛
- عنصر دوم: در بابت به‌گزارش اوضاعی که در آن بیدل بعضی از شعرهای خود را سروده؛
- عنصر سوم: در شرح این که بعضی از قسمت‌های این کتاب چگونه به‌وجود آمد؛
- عنصر چهارم: در بیان بعضی از پیش آمده‌های معجزه‌نمای زندگی نویسنده. سبک نثر بیدل در این اثرش شکل اصلاح شده سبک ظهوری ترشیزی (متوفی: ۱۰۲۵/۱۷-۱۶۱۶ م) است و تخیل برومند قماش‌های زیبای معانی را به‌نثر بافته است.^۲
۸. رقعات: به‌تعداد ۲۸۴ (در چاپ نولکشور، مارس ماه ۱۸۸۵) به‌سی و نه شخص مختلف که بنا بر اغراق در آراستگی‌های ادبی و لفظی بیشتر مبهم است تا روشن.^۳
۹. نکات بیدل: که تعداد آنها در چاپ‌های مختلف متفاوت است، مشتمل بر افکار باریک و عالی به‌سبکی نهایت مطمئن و مبهم و افکار استادانه نویسنده عبارت از اقوال مختصر و مغزدار است که اغلب آنها از چهار عنصر انتخاب گردیده و بعد از هر نکته به‌نثر یک رباعی و سپس یک غزل و یا یک مخمس می‌آید.^۴
۱۰. بیاض که در آن منتخباتی از شعرا از دوره خاقانی تا زمان گردآورنده نقل شده‌اند. این بیاض دارای اهمیت است به‌ویژه بنابر معلوماتی درباره شعرای معاصر بیدل.^۵

۱. سفینه خوشگو، ص ۱۲۵.

۲. تذکره بی نظیر، ص ۳۹.

۳. احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل، ص ۳۹۷.

۴. همان، ص ۴۰۱.

۵. همان، ص ۴۰۶.

نسخه‌های خطی متعدّد آثار منظوم و منثور بیدل به‌ویژه دیوان و انتخاب آن در کتابخانه‌های متعدّد هند و خارج از هند مضبوط‌اند. بعضی از اینها در خود حیات شاعر ما استنساخ شده و تعدادی بعد از وفات او کتابت شده‌اند. همچنین برخی از اینها چنان که از ترقیمه‌ها به‌دست می‌آید، مورّخ‌اند و اسم کاتب و جای کتابت آنها معلوم است و تعدادی از اینها مورّخ نیستند و نام کاتب‌ها و جای کتابت آنها مجهول است. افزون بر این بیدل دیوان خود را به‌دستخط خود هم نقل کرده بود که نسخه خطی آن در اختیار رئیس کتابخانه دانشگاه کراچی پاکستان است.^۱

وجود تعداد زیادی نسخ خطی آثار بیدل مخصوصاً دیوان شعرش، حاکی است که شعر بیدل مورد استقبال قرار گرفته بود و صاحبان ذوق و اهل نظر از آن استفاده می‌کردند. بیدل با وجود تمایل به فقر و گوشه‌گیری تارک‌الدنیا نبود. او روابط خوبی با امرای برجسته و علما و دانشمندان و شعرای دوره خود داشت. بیدل به‌بعضی از اینها نامه‌ها نوشته است که ترجمان مناسبات نزدیکی او با آنهاست. از نامه‌های بیدل به‌دوستان و شاگردان خود و اطلاعاتی که درباره بیدل در تذکره‌های معاصر و بعدی آمده است، پیداست که اینها از شعرهای بیدل گلچینی می‌کردند و هم از خود بیدل خواستار می‌شدند که از دیوان شعر خود گزیده‌ای برای آنها فراهم نماید.

بیدل بیاضی مشتمل بر انتخاب شعر خود را به‌شاگرد خود محمّد عطاءالله متخلّص به‌عطا اهدا کرده بود.^۲ همچنین نسخه خطی از مثنوی طلسم حیرت را به‌دوست و سرپرست خود نواب شکرالله خان متخلّص به‌خاکسار که دوستدار زیاد آثار بیدل بود، تقدیم نمود و درباره آن نوشت که:

”لاجرم طلسم حیرت بیدل عمری است که عبارتش به‌کنج دقت معنی واخزیده
و مضامین همچنان در غبار الفاظ نفس شوخی دزدیده در معنی گوهری است
از عفلت اصحاب تمیز، در شکنج عقده بی‌اعتباری و آینه‌ای از بصیرت ارباب

۱. دانشنامه ادب فارسی: انوشه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ایران، ۱۳۷۸، مدخل بیدل).

۲. سفینه خوشگو، ص ۱۴۹.

نظر کلفت اندود نفس شماری^۱.

شکرالله خان نقل مثنوی طور معرفت بیدل را هم برای خود برداشته بود.^۲ همین شکرالله خان گزیده‌ای از دیوان بیدل را تهیه دید که درباره آن بیدل ازو سپاس‌گذاری کرد.^۳ عاقل خان رازی (متوفی: ۱۱۰۸/۱۷۳۰ م) خسر نواب شکرالله خان از جمله دولتمردان با نفوذ دربار اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۶۰۸-۱۷۰۷ م) بود. او شاعر و منتقد و عالم صاحب نظر ادبی بود و تا مدتی استانداری دهلی را به‌عهده داشت. بیدل در عرفان تا حدی ازو استفاده کرده بود.^۴ بیدل به‌او احترام می‌گذاشت. اگر او در مجالس شعرخوانی از شعر بیدل تحسین می‌کرد، بیدل بلند می‌شود و ازو تشکر می‌کرد و اظهار خرسندی می‌نمود. بیدل نسخه خطی مثنوی محیط اعظم و گزیده‌ای از غزلیات خود را به‌خدمت او تقدیم نمود و درباره آن نوشت که:

”ساقی‌نامه‌ای است مخترع افکار دعاگو/ به‌منتخبی از غزلیات خیال رنگ و بو،
وسيله آمرزش قصور نموده به‌بارگاه قبول معذرت فرستاد“.^۵

علاوه بر این بیدل خاتمه طور معرفت موسوم به گلگشت حقیقت را هم به‌او اهدا کرده بود.^۶

والی دکن قلیچ خان، خان‌دوران آصف‌جاه اوّل (متوفی: ۱۱۶۱/۱۷۴۸ م) افتخار شاگردی بیدل را داشت. بیدل به‌تقاضای این شاگرد خود نسخه‌های خطی دیوان و مثنوی و غیره را به‌او ارسال نمود و نوشت که:

”امید که به‌نارسایی‌های طرز مضامین خجالت‌پرداز نبیند و به‌خشکی‌های وضع عبارت نم‌پیشانی انفعال نچیند و مطالعه افکار گوهر نثار، چشم تأمل را روشنایی نور یقین بخشد“.^۷

۱. آوازهای بیدل (رقعات)، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۳۸۶.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۶۷.

۴. سفینه خوشگو، ص ۱۳.

۵. آوازهای بیدل، ص ۴۰.

۶. همان، ص ۹۶.

۷. همان، ص ۴۲.

بیدل غالب به یقین انتخابی از غزلیات و رباعیات خود را به این شاگرد دولتمرد خود فرستاده که نسخه خطی آن در کتابخانه موزه سالار جنگ، حیدرآباد (به شماره ۲۰۵۶) نگهداری می‌شود.^۱ این نسخه خطی غزلیات به تعداد ۷۸۲ و رباعیات به تعداد ۲۳۵ را در بردارد. روی بعضی اوراق این نسخه در حاشیه غزل‌هایی بیشتر به خط شفیعا به دستخط خود بیدل به عنوان «لراقمه» اضافه شده است. این انتخابی است بزرگ که دارای یک صد و سی و سه برگ است و به خط نسخ خفی استنساخ شده است. مهر یک نفر ظهیرالدین حسن بهادر که شناخته نشده، روی نخستین صفحه ثبت دیده می‌شود.^۲ پس می‌توان حدس زد که این نسخه خطی به ظاهر قبل از ۱۱۳۱ یعنی دو سال قبل از وفات بیدل به وجود آمده بود.

افزون بر این بیدل نسخه خطی طور معرفت را به میرزا محمد امین عرفان با یادداشت زیر فرستاده بود:

”باری از سیر سواد بیرات راه آوردی که قانعان تحف معانی، به قلیلی ازین پیشکش کفایت تصور نمایند، نسخه طور معرفتی است که در تعمیم عبارتش مدعای خاص مندرج توان یافت و از تخصیص معنیش حقیقتی اخص می‌توان شکافت“.^۳

سید عبدالله خان، سید حسین علی خان و سید نورالدین خان که به سادات بارهه و سید برادران معروف بوده‌اند، از جمله دولتمردان برجسته دوره خود تلقی می‌شدند. سید عبدالله خان و سید حسین علی خان به مناصب بزرگی در دستگاه دولتی عروج کردند. برادر بزرگ سید عبدالله خان مخاطب به قطب‌الملک در دربار فرخ‌سیر پادشاه تیموری (۷۱۹-۱۷۱۳ م) به منصب نخست وزیر فائز بود. سید حسین علی خان با منصب امیرالامرا سرفراز گردید. این دو برادر صاحب اخلاق حمیده، اوصاف پسندیده

۱. این جانب این نسخه خطی را با همکاری آقای قزوه مدیر مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دهلوی نو در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسانده است. سپس مرکز آفرینش‌های ادبی تهران آن را در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسانده است.

۲. فهرست مشروح مخطوطات فارسی در سالار جنگ موزیم و کتابخانه، ج ۵ محمد اشرف، حیدرآباد، ۱۹۴۹، ص ۲۵۱.

۳. آوازه‌های بیدل، ص ۶۴.

و شجاعت و جسارت فوق‌العاده بودند و خدمات شایانی را انجام دادند. بقول غلام علی آزاد بلگرامی:

”سبحان الله این دو برادر سیمماً امیرالامرا شجاعت و سخاوت و کرم و حلم و مواسات فطری داشتند و کافهٔ انام را مشمول انواع احسان ساختند و هرگز مجوز ستم و بیداد بر متنفسی نشدند“^۱.

این سه برادر از اعظام سادات بارهه و اکابر شرفای هند دوره خود بودند. نسب اینها به سید ابوالفرج واسطی راجع می‌شود.^۲ اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۶۵۸-۱۷۰۷ م) سید حسین علی خان را خطاب خان‌دوران عطا کرد و حراست اورنگ‌آباد به او تفویض گردید. در جنگ جانشینی ما بین اعظم شاه و معظم شاه پسران اورنگ‌زیب این هر سه برادر از طرف معظم شاه در ارتش پسرش معزالدین شاه نقش اساسی را ایفا کردند. یکی از اینها نورالدین خان در این جنگ کشته شد و دو دیگر زخم‌ها برداشتند. حسین علی خان بعداً استاندار اجمیر و سپس اله‌آباد منصوب شد.^۳ امیرالامرا سید حسین علی خان خوش ذهن بود و شعر خوب می‌فهمید. تاریخ هم خوب می‌دانست. و با ارباب کمال رفتار دوستانه می‌کرد. بعد از هر نماز صبح اجازه داده بود که صاحبان کمال در خدمتش بیایند و تا یک پاس روز با آنها محشور بود.^۴

بیدل با قطب‌الملک سید عبدالله خان و امیرالامرا سید حسین خان روابط حسنه داشت. نامه‌های بیدل به این دو برادر که در مجموعه رقعات او شامل هستند، حاکی روابط دوستانه بیدل با این دو نفر دولتمردند. بیدل در نامه‌ها از سرپرستی امیرالامرا و لطف او نسبت به خود تقدیر می‌نماید و چنین سپاس‌گزاری می‌کند:

”سبحان الله! حضرت حق را خاصانند ممتاز به ایفای رعایت بی‌زبانان عرض احتیاج و مأمور به امداد بی‌دست و پایان تحیر مزاج، جرأت شکر عطیات هم از جانب کبریا مسئلت نمودن است تا بی‌نوایی به تقدیم عجز بیانی تواند پرداخت

۱. سرو آزاد، ص ۱۶۸.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. همان، ص ۱۶۲.

۴. همان، ص ۱۷۱.

و به اظهار سپاس کرامت همان از حضرت او ملتتمس گردیدن تا بیدلی طرح
ثنایی تواند انداخت^۱."

بیدل در نامه‌ای دیگر هم همین گونه احساسات و امتنان را ابراز می‌دارد:
"دست دعای فقرا در مقابل احسان بی‌ربا آن همه سامان بلندی ندارد که از
سرنگونی‌های نارسایی برآید و زبان ثنای بی‌نویان در برابر الطاف عمیم آن
قدر سرمایه اقتدار نمی‌یابد که بال تحریک نفس کشاید"^۲.

چون حسین علی خان از دکن به دهلوی برگشت، بیدل با این ابیات مقدم او را
گرامی داشت:

باز از دل به‌سوی دیده‌ما می‌آیی ای دل و دیده فدایت ز کجا می‌آیی
دیده تا دل همه گل جین بهار آغوشی است چشم بد دور عجب عقده‌کشا می‌آیی
همچنین وقتی که سید حسین علی خان به‌نظم ممالک دکن می‌پرداخت، بیدل این
دو بیت را تقدیم او کرد:

ای تشنه پیمانۀ قدرت به‌چه کاری هستی اثری یا پی تاراج خماری
می در قدحی، گل به‌سری، جام به‌دستی رنگ چمنی، موج گلی، جوش بهاری
چون این دو برادر باعث قتل محمد فرخ‌سیر پادشاه تیموری که با بیدل روابط
خوبی داشت^۳ شدند، میرزا بیدل شدیداً تحت تأثیر قرار گرفت و نتوانست نا‌خشنودی خود
را نگه دارد و بنابراین به‌مناسبت این پیش‌آمد قطعه‌ای تاریخ ساخت که بدین قرار است:
دیدم که چه با شاه گرامی کردند صد جور و جفا از ره خامی کردند
تاریخ چو از خرد بجستم فرمود سادات به‌وی نمک حرامی کردند
(۱۱۳۱ هـ)

سراج‌الدین علی خان آرزو درباره قتل فرخ‌سیر خلاصه می‌کند که بعد از آن مردم
دو گروه شدند. بعضی‌ها از سید برادران مخالفت و برخی حمایت کردند. خود آزاد
درباره این قضیه بدفرجام این نظر داشت که:

۱. سرو آزاد، ص ۱۷۶.

۲. چهار عنصر، (رقعات) ۱۷۴.

۳. سرو آزاد، ص ۱۶۳.

”نزد ارباب انصاف منشاء عزل پادشاه محض پاس آبرو و حفظ جان عزیز بود که اینها مدة العمر جان فشانی‌ها نمودند و لوازم دولت خواهی به تقدیم رسانیدند. پادشاه چشم از حقوق پوشیده در صدد قلع و قمع افتاده، تا زنده بود همین خیال در سر داشت. آخر این رای سقیم باعث زوال سلطنت شد و دولت پادشاه و سادات هر دو بر هم خورد“^۱.

میر عظمت الله بیخبر بلگرامی از اقدام برادران سید حمایت کرد و قطعه تاریخ بیدل را چنین پاسخ داد:

با شاه سقیم آنچه شاید کردند از دست حکیم هرچه آید کردند
بقراط خود نسخه تاریخ نوشت سادات دواش آنچه باید کردند

خلاصه این که بزودی بعد از این پیش آمد امیرالامرا حسین علی خان هم در ۷ ذی قعدة ۱۱۳۲/۱۷۱۹ م کشته شد و جسدش را در اجمیر در پهلوی قبر پدرش دفن کردند^۲. همچنین عبدالله خان برادر بزرگ امیرالامرا در روبرویی با محمد شاه پادشاه تیموری (۱۷۱۹-۱۷۴۸) که بعد از کشته شدن فرخ سیر به تخت نشسته بود، اول دستگیر شد و سپس به قتل رسید.

بیدل بعد از ساختن قطعه تاریخ کشته شدن فرخ سیر دهلی را از بیم جان برای لاهور ترک گفت. چون هر دو برادر سید کشته شدند، به دهلی برگشت.

بیدل گزیده‌ای از دیوان غزل را به دستخط خود آماده کرده و بدیهی است که قبل از این پیش آمد به امیرالامرا اهدا نموده بود. نقل نسخه خطی این انتخاب در خانقاه رحمانیه مونگیر واقع در بیهار وجود دارد که مشخصات آن بدین قرار است:
این نسخه خطی با این عبارت شروع می‌شود که حتماً کسی بعد از کشته شدن امیرالامرا حسین علی خان بر آن افزوده است.

نام این منتخب «ایجاد بیدلی» که طرزی که میرزا جدا از همه شعرا خود مخصوص خود دارد، همان طور خاص این همه اشعار انتخاب کرده به نواب حسین

۱. سرو آزاد، ص ۱۵۴.

۲. همان، ص ۱۶۹-۱۷۰.

علی خان شهید داده بودند. این ترقیمه در آخر این نسخه خطی اطلاع ارزشمندی را ارائه می‌دهد:

”نقل از نسخه منقوله دستخط میرزا عبدالقادر بیدل قدس سره نوشته شد. الا سهو و بی‌استعدادی کاتب معذور باد.“

از این یادداشت در آغاز و آخر نسخه خطی بدست می‌آید که بیدل این گزیده را «ایجاد بیدلی» نامیده بود و این نسخه خطی بعد از کشته شدن امیرالامرا در سال ۱۱۳۲ از اصل نسخه بیدل نقل شده است و کاتب که اسم او معلوم نیست، در آن مرتکب بعضی اشتباهات شده است. متأسفانه درباره وجود اصل این نسخه خطی به دستخط بیدل اطلاعی تاکنون بدست نیست.

این نسخه دارای ۷۸ صفحه به خط نستعلیق کتابت شده است. بیدل در این نسخه ابیاتی چند که به سبک خاص اوست، از ۲۳۳ غزل انتخاب کرده است. مطلع‌های هر غزل برگزیده شده و این انتخاب ردیف‌وار ترتیب داده شده است. بیدل علاوه بر غزلیات یک مخمس را با این سر آغاز هم شامل این انتخاب نموده است.

عشق انجمن است در نظر نیست رنگ است و بهار جلوه گر نیست
اسرار جهان هست و گر نیست من می‌گویم کسی دیگر نیست

در آغاز این نسخه خطی روی صفحه‌ای جداگانه یادداشتی از عالم معروف دینی سید مناظر احسن گیلانی به تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۳۷ وجود دارد که در آن علاوه بر خصوصیات شعر بیدل و علاقه آقای گیلانی با شعر بیدل، این اطلاع هم رسانده شده که او این نسخه خطی را در حیدرآباد هند خریده بود. وضع آن خوب نبود. او پنج روپیه داد تا یک نفر آن را به نحو خوبی صحافی کرد. افزون بر این او هم می‌خواست که خود هم از شعر بیدل انتخاب کند و همراه با این نسخه آن را چاپ نماید. این نسخه خطی چنان که در ترقیمه هم اشاره به آن شده، اشتباهاتی دارد. بنده متن این نسخه را با متن دیوان بیدل چاپ کابل مقایسه نموده و اختلافات نسخ را در پاورقی ثبت نموده است حالا یک متن نسبتاً منقح آن خدمت گرامی دوستان ادب فارسی به‌ویژه شعر بیدل بزودی تقدیم می‌گردد.

در آخر از جناب سید محمد ولی رحمانی رئیس فعلی خانقاه رحمانیه مونگیر، ایالات بیهار و نایب امیر امارت شریعه بیهار و جارکند و رئیس بنیاد رحمانی مونگیر از صمیم قلب سپاسگزاری می‌کنم که این نسخه را در اختیار جناب پروفیسور لطف‌الرحمن استاد معروف زبان و ادب اردو (یک سال قبل درود به حیات گفتند) گذاشتند و ایشان عکسی از آن را به‌بنده لطف فرمودند تا به‌چاپ رسانده شود، از ایشان هم تشکر می‌نمایم.

منابع

۱. چمنستان شعرا: لچهمی ناراین شفیق، انجمن ترقی اردو (هند) دهلی، ۱۹۲۸.
۲. سفینه خوشگو: بندرین داس خوشگو، تصحیح محمد عطاء‌الرحمن کاکوی، پتنا، بیهار، ۱۹۵۹.
۳. احوال و آثار میرزا عبدالقادر بیدل: عبدالغنی، دکتر ترجمه از انگلیسی به فارسی از میر محمد آصف انصاری، دانشکده ادبیات و علوم بشری، دانشگاه کابل ۱۳۵۱.
۴. چهار عنصر: میرزا عبدالقادر بیدل، شامل کلیات بیدل، ج ۴، کابل ۱۳۴۴.
۵. بیدل در پرتو برگسون: علامه اقبال (انگلیسی)، لاهور ۱۹۸۸.
۶. سفینه هندی: بهگوان داس هندی، تصحیح محمد عطاء‌الرحمن کاکوی، پتنا، بیهار، ۱۹۵۸.
۷. رقعات بیدل: میرزا عبدالقادر بیدل، شامل کلیات بیدل، ج ۳، کابل ۱۲۴۴.
۸. خزانه عامره: غلام علی آزاد بلگرامی، کامپور ۱۸۷۱.
۹. محیط اعظم: میرزا عبدالقادر بیدل، شامل کلیات بیدل، ج ۳، کابل ۱۲۴۴.
۱۰. تذکره بی‌نظیر: افتخار، عبدالوهاب، تصحیح سید منظور علی، اله‌آباد، ۱۹۴۰.
۱۱. دانشنامه ادب فارسی: انوشه، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران ۱۲۷۸.
۱۲. آوازه‌های بیدل: به‌تصحیح اکبر بهدار وند، مؤسس انتشارات نگاه تهران ۱۳۸۶.
۱۳. فهرست مشروح مخطوطات فارسی در سالار جنگ میوزیم و کتابخانه، ج ۵، محمد اشرف حیدرآباد، ۱۹۶۹.
۱۴. سرو آزاد: غلام علی آزاد بلگرامی، حیدرآباد.
۱۵. مرآة‌الخیال: شیرخان لودی، عمدة‌الخبار پریس، ۱۸۴۸.
۱۶. شام غریبان: لچهمی ناراین شفیق اورنگ‌آبادی، ترتیب محمد اکبرالدین صدیقی، کراچی، ۱۹۷۷.
۱۷. گل رعنا: لچهمی ناراین شفیق اورنگ‌آبادی (پن. م. ی. ک. رے) ترتیب نثار احمد فاروقی، مکتبه برهان، دلی ۱۹۶۸.